



گزاره برگ ۱ آیا طرح تحول سلامت با اسناد بالادستی کشور در حوزه سلامت همخوانی دارد؟

طرح تحول سلامت چه کرده است؟	مبانی قانونی برنامه‌های تحول سلامت کدام است؟
افزایش سهم سلامت از بودجه دولت	بند ۱۰ سیاست‌های کلی سلامت ماده ۳۴ قانون برنامه پنجم توسعه
انتقال منابع مالی برای خرید خدمت از ارائه‌دهنده خدمت، به خریدار خدمت	بند ۷ سیاست‌های کلی سلامت
مدیریت بهینه منابع و انضباط مالی	بند ۱۰ سیاست‌های کلی سلامت
رفع بحران کمبود دارو و تجهیزات پزشکی	بند ۱ سیاست‌های کلی سلامت
کنترل قیمت دارو و تجهیزات پزشکی	بندهای ۴ و ۵ سیاست‌های کلی سلامت
حمایت از داروهای تولید داخل	بندهای ۴ و ۵ سیاست‌های کلی سلامت
بیمه کردن جمعیت بدون بیمه پایه سلامت	بند ۹ سیاست‌های کلی سلامت ماده ۳۸ قانون برنامه پنجم توسعه
کاهش میزان پرداختی بیماران در بیمارستان‌های دولتی وابسته به وزارت بهداشت	بند ۹ سیاست‌های کلی سلامت ماده ۳۸ قانون برنامه پنجم توسعه
تعدیل قیمت تعرفه ارائه خدمات در جهت واقعی شدن آن‌ها	بند ۹ سیاست‌های کلی سلامت ماده ۳۸ قانون برنامه پنجم توسعه
افزایش کمیّت و کیفیت منابع انسانی شاغل در بخش دولتی و تغییر نحوه قرارداد با آنها	ماده ۳۲ و ۳۶ قانون برنامه پنجم توسعه
بازنگری در پرداخت مبتنی بر عملکرد کارکنان سلامت	بند ۹ سیاست‌های کلی سلامت ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم توسعه
راه‌اندازی واحدهای ارائه خدمات سلامت	ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم توسعه
ارتقای کیفیت خدمات سلامت در بخش دولتی	بند ۸ سیاست‌های کلی سلامت
رایگان کردن زایمان طبیعی برای مادران	بند ۲ سیاست‌های کلی سلامت
مدیریت ارائه خدمات و حفاظت مالی برای مبتلایان بیماری‌های صعب‌العلاج	بند ۹ سیاست‌های کلی سلامت ماده ۳۸ قانون برنامه پنجم توسعه
طراحی نظام نوین ارائه خدمات مراقبت‌های اولیه سلامت در مناطق شهری و تعریف خدمات نوین در واحدهای ارائه خدمات	بندهای ۲، ۸ و ۱۱ سیاست‌های کلی سلامت ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم توسعه
توسعه دسترسی به مراقبت‌های اولیه سلامت با کیفیت به روستاییان	بندهای ۲، ۸ و ۱۱ سیاست‌های کلی سلامت ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم توسعه
تکمیل، توسعه و اصلاح برنامه پزشک خانواده مناطق شهری در دو استان فارس و مازندران	بندهای ۲، ۸ و ۱۱ سیاست‌های کلی سلامت ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم توسعه
طراحی نظام ارائه خدمات جدید بهداشت عمومی توسط بخش خصوصی	بندهای ۲ و ۷ سیاست‌های کلی سلامت
ارتقای محتوای برنامه‌های قبلی ارائه خدمات سطح یک	بندهای ۲، ۷، ۸ و ۱۱ سیاست‌های کلی سلامت
تقویت ظرفیت تأمین، نگهداری و توزیع واکسن و خدمات آزمایشگاهی	بند ۴ سیاست‌های کلی سلامت
تقویت، ادغام و نرم‌افزاری کردن نظام اطلاعات برای تصمیم‌سازی بهتر	بند ۸ سیاست‌های کلی سلامت ماده ۳۵ قانون برنامه پنجم توسعه

حدود دو سال از اجرای طرح تحول سلامت در کشور می‌گذرد. یکی از دغدغه‌هایی که همواره در مسیر اجرایی‌شدن این طرح وجود داشته، هم‌راستایی آن با اسناد بالادستی کشور بوده است. این دغدغه در واقع به مسیر حرکت نظام سلامت کشور، در سایه قوانین و تکالیف تعیین‌شده اشاره دارد و لازم است پاسخی مستدل و مستند برای آن ارائه شود. به‌همین منظور، در این نوشتار کوتاه سعی می‌شود با بیان مبانی قانونی آنچه در طرح تحول سلامت انجام شده، هم‌راستایی آن را با آنچه به‌عنوان تکالیف قانونی برای بخش سلامت در اسناد بالادستی تعیین شده است، ارزیابی کنیم.

برای این ارزیابی، در وهله اول، مبانی قانونی تحولات و تغییراتی را که در طرح تحول سلامت رخ داده است، با توجه به دو سند مهم «سیاست‌های کلی سلامت» و «برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور» معرفی می‌کنیم:



اولویت‌بندی هیچگاه به معنای نادیده‌گرفتن دیگر اولویت‌ها نبوده و در برنامه کاری وزارت، اجرایی شدن اقدامات میان‌مدت دیگری برای انجام تکالیف قانونی دیده شده است.

۵. سال آغاز اجرای تعهدات قانونی برنامه پنجم، ۱۳۹۰ بوده است. این تعهدات، به‌خصوص تکالیف مهمی در راستای راه‌اندازی سامانه جامع و همگانی سلامت و اصلاح نظام تأمین منابع مالی سلامت داشته است. شواهد نشان می‌دهد تا سال ۱۳۹۲، یعنی سه سال بعد از گذشت دوره برنامه، بسیاری از این تکالیف محقق نشده بوده و همین عدم محقق‌نشدن تکالیف، وضعیت بحرانی سلامت را در سال ۱۳۹۲ رقم زد. زمان باقیمانده دو سال نیز برای دستیابی به همه تکالیف قانونی از طریق اجرای طرح تحول سلامت، مدت‌زمان کوتاهی بود. بنابراین نمی‌توان تحقق نیافتن کامل همه تکالیف را به هم‌راستا نبودن طرح تحول با اسناد بالادستی نسبت داد.

نتیجه‌گیری

براساس آنچه گذشت، به‌نظر می‌رسد روح حاکم بر تدوین و اجرای طرح تحول سلامت، مبتنی بر هم‌راستایی آن با اسناد بالادستی بوده است. البته با مروری بر عملکرد طرح تحول سلامت که گویای دستاوردهای مهمی برای نظام سلامت کشور است، این را نیز نمی‌توان منکر شد که همچنان برخی از انتظارات اصلی و مهم نظام سلامت، مانند استقرار سامانه خدمات جامع و همگانی سلامت، تجمیع بیمه‌های سلامت، اصلاح نظام پرداخت و... جامه عمل نپوشیده است. بنابراین آنچه در این مقطع زمانی لازم است، صبر و تأمل برای برداشتن قدم‌های بعدی تحول در نظام سلامت است.

حال با توجه به بررسی شواهد موجود و واقعیت‌های فضای حاکم بر بخش سلامت کشور در سال ۱۳۹۲ باید اذعان کرد:

۱. آنچه در طرح تحول سلامت اجرایی شده، همگی به استناد تکالیف قانونی است که برای ارتقای عملکرد نظام سلامت کشور تعیین شده بود.

۲. پشتوانه اجرای طرح تحول سلامت، تدوین و تصویب طرحی بوده که در توجیه ضرورت اجرای آن به تکالیف قانونی بخش سلامت اشاره شده است. دور از انتظار است که مراجع تصویب‌کننده در زمان تصویب طرح، موضوع مهم هم‌راستا نبودن طرح با قوانین بالادستی را نادیده گرفته و مجوز آغاز طرحی مغایر با قوانین مصوب را داده باشند.

۳. پشت هر تکلیف قانونی، تحلیل وضعیت و اندوخته‌ای از دانش بومی خبرگان قرار دارد که برای حل مشکلات سلامت، راهکارهایی را در قالب تکالیف قانونی پیشنهاد و تصویب می‌کنند. ارائه‌دهندگان طرح تحول سلامت نیز با توجه به همان تحلیل وضعیت و اندوخته دانشی خبرگان و برای همان مشکلاتی که حل نشده مانده بود، راهکارهایی را برای ایجاد تغییر در نظام سلامت ارائه کردند. سخت می‌توان باور کرد با یک تحلیل وضعیت تقریباً مشابه، جمع خبرگان نسبتاً ثابت و مشکلات یکسان در یک کشور، دو مجموعه راهکار غیرمرتبط (تکالیف قانونی و طرح تحول) طراحی شده باشد.

۴. نظام سلامت در سال ۱۳۹۲ با بحرانی جدی روبرو بود و همین بحران سبب شد طرح تحول سلامت در گام اول، اقدامات فوری برای بازگشت نظام سلامت به حالت عادی را، از مسیر توجه بیشتر به افزایش حفاظت مالی، در اولویت قرار دهد. این